

فرایند یادگیری اجتماعی مصرف مواد نیروزای غیر مجاز (دوپینگ) در بین ورزشکاران حرفه‌ای

محمود شارع پور^۱، سعید کبیری^۲، محمد مهدی رحمتی^۳، محمد اسماعیل ریاحی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۹

چکیده

مصرف مواد نیروزا به فعالیتی شایع در بین ورزشکاران حرفه‌ای مبدل گردیده است. با توجه به شیوع و مبدل شدن این پدیده به عنوان مساله‌ای اجتماعی، هدف اصلی این پژوهش بررسی چرایی درگیری ورزشکاران در فعالیتهای مرتبط با دوپینگ با استفاده از تئوری یادگیری اجتماعی است. بدین منظور با استفاده از حجم نمونه ۷۸۴ نفری از ورزشکاران شهرهای رشت و بندر انزلی، مفروضات تئوری یادگیری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن بود که مولفه‌های تئوری یادگیری اجتماعی - پیوندهای افتراقی، تقویت کننده‌های افتراقی، تقلید و تعاریف - قادرند به درستی ۰/۴۳؛ ۰/۲۹ و ۰/۴۴ درصد از واریانس مصرف مواد نیروزای ورزشکاران به صورت کلی، ورزشکاران زن و مرد را به ترتیب پیش بینی نمایند.

واژگان کلیدی: یادگیری اجتماعی، مواد نیروزای غیرمجاز، ورزشکاران حرفه ای

۱ استاد جامعه شناسی دانشگاه مازندران؛ پست الکترونیکی: m.sharepour@umz.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)؛ پست الکترونیکی: s.kabiri89@gmail.com

۳ دانشیار جامعه شناسی دانشگاه گیلان؛ پست الکترونیکی: mahdi.rahmati@gmail.com

۴ دانشیار جامعه شناسی دانشگاه مازندران؛ پست الکترونیکی: m.riahi@umz.ac.ir

بیان مساله

استفاده از مواد نیروزا^۱ مساله‌ای تازه در عرصه ورزش نیست و اصطلاح دوپینگ بصورت قانونی بمنظور اشاره به مواد نیروزا غیرمجاز در بین ورزشکاران حرفه‌ای و آماتور مورد استفاده قرار می‌گیرد (کبیری^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). برآورد تقریبی از مصرف مواد نیروزا حاکی از آن است شیوع مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران رقیمی بین ۱۰ الی ۴۰ درصد می‌باشد (دی هان^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). فراوانی مصرف مواد نیروزا در بین رشته‌های ورزشی نیز نشان می‌دهد که درگیری ورزشکاران در این الگوی کجروانه متغیر است، به گونه‌ای که پژوهش دان^۴ و همکاران (۲۰۰۹) حاکی از آن بود که ۱۰ درصد ورزشکاران ژیمناستیک درگیر مصرف مواد نیروزا بوده‌اند. پژوهش سوتاس^۵ و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که در بین سالهای ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۰ حدود ۱۴ درصد از ورزشکاران رشته دو و میدانی مصرف موادنیروزا را گزارش داده‌اند. نتایج مشابهی نیز برای رشته‌های ورزشی دوچرخه سواری (زورزولی و روسی^۶، ۲۰۱۰)، فوتبال (ویلموز^۷ و همکاران، ۲۰۰۹)، اسکی سرعتی (کوپیرز^۸ و همکاران، ۲۰۰۷) بدست آمده است. پژوهش‌های صورت گرفته در ایران نیز حاکی از آن است که سطوح درگیری ورزشکاران در مصرف مواد نیروزا رقیمی بین ۲۷ الی ۶۷ درصد بوده و بالاترین رقم گزارش شده در بین ورزشکاران رشته‌های ورزشی وزنه برداری، کشتی و فوتبال به ثبت رسیده است (به نقل از کبیری و همکاران، ۲۰۱۷). به عبارتی دقیقتر، در ارتباط با شیوع مصرف مواد نیروزای غیر مجاز (دوپینگ) در ایران پژوهش‌های صورت گرفته رقیمی بین ۹ الی ۶۳ درصد را گزارش داده‌اند (کاشی و همکاران، ۱۳۸۵؛ سرلک و کاشی، ۱۳۸۸؛ کارگرفرد و همکاران، ۱۳۸۸؛ میانسیان و سرلک، ۱۳۸۸؛ جلیلیان و همکاران، ۱۳۹۱؛ هاشمیان فرد و همکاران، ۱۳۹۲؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۹۵؛ کبیری و همکاران، ۲۰۱۶؛ ۲۰۱۷). بنا بر قوانین سازمان جهانی مبارزه با دوپینگ هرگونه استفاده از مواد ممنوعه (استروئیدهای آنابولیک، داروهای ادرارآور، هورمون‌های پیتیدی و گلیکوکورتیونی و آنالوگ‌های آن‌ها یا دستکاری فیزیکی، شیمیایی یا دارویی ادرار) و مواد و یا روش‌های غیرمجاز در اولین ارتکاب به تعلیق ورزشکار از هرگونه فعالیت ورزشی به مدت ۶ ماه الی ۴ سال انجامیده و در دومین ارتکاب وی را به صورت مادام‌العمر از مسابقات ورزشی کنار می‌گذارد (کبیری و همکاران، ۲۰۱۶)، در نتیجه اقدام ورزشکاران به مصرف مواد غیرمجاز (مطابق با لیست سالیانه مواد غیرمجاز سازمان جهانی مبارزه با دوپینگ) خود شکلی از رفتارهای غیرقانونی (تخطی از قوانین سازمان جهانی مبارزه با دوپینگ) و غیر اخلاقی (مغایرت با اخلاقیات ورزشی و عدم رعایت بازی جوانمردانه) در خرده فرهنگ ورزشی است که نیازمند تبیین‌های اجتماعی و انحرافی است (کبیری و همکاران، ۲۰۱۷).

1 performance-enhancing drugs

2 Kabiri

3 de Hon

4 Dunn

5 Sottas

6 Zorzoli & Rossi

7 Vouillamoz

8 Kuipers

در بعد عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش ورزشکاران به سمت مواد نیروزا، داناوان^۱ و همکاران (۲۰۰۲) بر اهمیت گروه‌های مرجع در شکل‌گیری تمایل فرد به مصرف مواد نیروزا اشاره نمودند. ازدیمیر^۲ و همکاران (۲۰۰۵) نیز در تحقیق خود نشان دادند که ۴۱,۳ درصد از ورزشکاران مورد مطالعاتشان که به مصرف مواد نیروزا پرداخته‌اند مدعی گردیدند فشارهای اجتماعی، محیطی و نقش دوستان تأثیر معناداری در گرایش به مواد غیرمجاز داشته است. نقش چنین فشارهای اجتماعی و محیطی همچون نگرش گروه دوستان، همالان و مرجع در مطالعات لائوری^۳ و همکاران (۲۰۰۴)، هاف^۴ (۲۰۱۵)، ویفرینک^۵ و همکاران (۲۰۰۷) نشان داده شده است، در پژوهش پیترز^۶ و همکاران (۲۰۰۵) ورزشکاران مورد مطالعه مدعی شدند که مصرف مواد نیروزا و غیرمجاز با معرفی مربیان دوران مدرسه‌شان بوده است. کیربی^۷ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند که تمایل ورزشکاران به استفاده از مواد نیروزا می‌تواند نتیجه درخواست هم تیمی‌ها و مربیان باشد. مطالعه پادوپولس و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد ورزشکارانی که در بین اطرافیان خود افرادی را می‌شناسند که مواد نیروزا مصرف کرده و به عبارتی معرف^۸ آنها بوده‌اند ۷ برابر بیشتر از ورزشکاران دیگر احتمال درگیر شدن در فعالیت‌های دوپینگ در آنها وجود دارد. بطور خلاصه پژوهش‌های اجتماعی صورت گرفته در زمینه گرایش و مصرف مواد نیروزای غیرمجاز توسط ورزشکاران را می‌توان در دو طبقه فردی (مربیان و ورزشکاران رقیب)، موقعیت اجتماعی (خانواده و دوستان) قرار داد (هاف، ۲۰۱۵). با توجه به اهمیت ارتباط ورزشکاران با اطرافیان - پیوندهای افتراقی با اطرافیان - و همچنین فشار خرده فرهنگ ورزشی به استفاده از مواد نیروزای غیرمجاز، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش ورزشکاران به سمت دوپینگ از اهمیت اساسی برخوردار است، یکی از مهمترین تئوری‌های اجتماعی در باب تبیین کجروی‌های ورزشی، تئوری یادگیری اجتماعی ایکرز (۲۰۱۳) است. این تئوری بر این فرض مهم استوار است که کنشگران اجتماعی، رفتارهای کجروانه و انحرافی را همچون رفتارهای مقبول، در دامنه‌ای از پیوندهای افتراقی، تقویت کننده‌های افتراقی، تعاریف و تقلید آموخته و درونی می‌کنند. در این نگاه درگیری ورزشکاران را در مصرف مواد نیروزای غیرمجاز را می‌بایست پیامد محیط اجتماعی قلمداد نمود که ورزشکاران در آن حضور داشته و به مشارکت ورزشی می‌پردازند. با این تفسیر این پژوهش سعی دارد به این سوال مهم پاسخ دهد که آیا می‌توان مصرف مواد نیروزای غیرمجاز را بواسطه تئوری یادگیری اجتماعی تبیین نمود؟ آیا مولفه‌های تئوری یادگیری اجتماعی قادرند مصرف مواد نیروزا در گذشته، حال و آینده ورزشکاران را پیش بینی نمایند؟

1 Donovan

2 Özdemir

3 Laure

4 Hoff

5 Wiefferink

6 Peters

7 Kirby

8 informant

چارچوب نظری پژوهش: فرایند یادگیری اجتماعی مصرف مواد نیروزا غیرمجاز

نظریه یادگیری اجتماعی (ایکرز^۱، ۱۹۸۵، برگس و ایکرز^۲، ۱۹۶۶) یکی از نظریات مهم در تبیین جرم، رفتارهای انحرافی است. این تئوری بطور کلی مدعی است، فرایند یادگیری نقش مهمی در رفتارهای مجرمانه و انحرافی (همچون کجروی‌های ورزشی) ایفاء می‌نماید (کبیری و همکاران، ۲۰۱۷). ایکرز (۲۰۱۱) در فرایند یادگیری اجتماعی، چهار مفهوم مرکزی را ارائه می‌دهند: اولین مؤلفه اصلی در فرایند یادگیری اجتماعی، پیوند افتراقی^۳ است که با در نظر گرفتن، فراوانی^۴، استمرار زمانی^۵، تقدم^۶ و شدت^۷ بین انواع پیوندهای احتمالی، تفاوت ایجاد می‌کند. پیوند افتراقی مفهوم مرکزی نظریه پیوند افتراقی^۸ ساترلند^۹ بوده و بستر اجتماعی مفاهیم بعدی نظریه یادگیری اجتماعی را فراهم کرده است (ایکرز و سلرز، ۲۰۱۲)، پیوند افتراقی به عبارت دیگر، زمینه (بستر) ایست که مکانیزم یادگیری اجتماعی رفتار را تسهیل می‌نماید (کوکران و همکاران، ۲۰۱۶). پیوند افتراقی اشاره به قرار گرفتن فرد در معرض نگرش‌ها و رفتارهای دیگران دارد، چنین بستری (در معرض نگرش و یا رفتارهای انحرافی چون کجروی‌های ورزشی) ممکن است، مستقیم، غیر مستقیم، کلامی و یا غیر کلامی باشد (شیفر^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۵). در این میان تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که پیوند افتراقی با گروه‌های مرجع اولیه و ثانویه مثل دوستان نقش مهمی در رفتارهای کجروانه در محیط ورزشی دارد (کبیری و همکاران، ۲۰۱۷)، به عنوان مثال محققین دریافته‌اند که رابطه معنادار و مستقیمی بین رفتارهای انحرافی و دوستان کجرو وجود دارد (کوکران و همکاران، ۲۰۱۷؛ علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۵؛ کبیری و همکاران، ۲۰۱۷). تعاریف، دومین مؤلفه نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز است. تعاریف نگرش‌هایی است درباره‌ی رفتارهایی خاص که بوسیله‌ی فرایند پیوند افتراقی، تقلید و کنش متقابل با منابع متنوعی از یادگیری که در محیط اجتماعی یک شخص واقع شده است، یاد گرفته می‌شوند و موقعیتی را به عنوان فرصت یا فقدان فرصت برای اعمال مجرمانه فراهم می‌کنند (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش‌های صورت گرفته در این راستا نشان دادند که با شکل‌گیری تعاریف مثبت و خنثی فرایند درگیری افراد در رفتارهای کجروانه نیز تسهیل می‌گردد (لی و همکاران، ۲۰۱۶؛ کبیری و همکاران، ۲۰۱۷؛ کوکران و همکاران، ۲۰۱۷). مؤلفه بعدی در فرایند یادگیری اجتماعی، تقویت‌کننده‌های افتراقی^{۱۱} هستند که از نظریه رفتاری اقتباس شده (اسکینر، ۱۹۵۳) و اشاره به تخمین پاداش و سود رفتار فعلی و محتمل (همچون ارزیابی هزینه - فایده دویینگ) دارد (فلوریدا و

1 Akers

2 Burgess & Akers

3 differential association

4 frequency

5 duration

6 priority

7 intensity

8 Differential Association Theory

9 Sutherland

10 Schaefer

11 differential reinforcement

همکاران، ۲۰۱۶). به عبارت دیگر، چشم داشت‌های اجتماعی و غیر اجتماعی حاصل از هزینه-فایده رفتار کجروانه تقویت کننده‌های افتراقی خوانده می‌شوند (ایکرز، ۲۰۱۱). یافته‌های تحقیقات پیشین حاکی از آن بود که تقویت کننده‌های افتراقی نقش معناداری در گرایش افراد به سمت رفتارهای انحرافی دارند (کوکران و همکاران، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، کبیری و همکاران، ۲۰۱۷؛ فلوریدا و همکاران، ۲۰۱۶). تقلید^۱، آخرین گزاره‌ای است که تعیین کننده، درگیری افراد در رفتارهای انحرافی و یا غیر قانونی همچون دوپینگ می‌گردد، این مفهوم برگرفته از نظریه یادگیری شناختی است (بندورا^۲، ۱۹۷۷) و اشاره به یادداشت برداری و الگوبرداری از رفتارهای افراد مورد قبول با نگاه کردن و در نظر گرفتن نتایج دارد (ایکرز، ۲۰۱۰). به عنوان مثال، افرادی که می‌بینند، دوستانشان به فعالیت‌های کجروانه می‌پردازند، بیشتر احتمال دارد که طی فرایند تقلید و الگوسازی از آنچه مشاهده نموده‌اند، به سمت فعالیت‌های کجروانه سوق یابند (کبیری و همکاران، ۲۰۱۶). محققین نیز در این راستا به این نتیجه رسیدند که تقلید و الگوبرداری از اطرافیان نقش معناداری در سوق یافتن افراد به سمت رفتارهای کجروانه دارند (کوکران و همکاران، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، کبیری و همکاران، ۲۰۱۷؛ لی^۳ و همکاران، ۲۰۱۶).

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بوده و از نظر هدف کاربردی است. بر اساس آمارهای گزارش شده از سوی اداره‌ی تربیت بدنی شهرستان رشت، تعداد ورزشکارانی که بصورت فعال در سطح شهر به مشارکت ورزشی می‌پردازند، ۱۵۲۳۶۰ نفر است، که از این تعداد ۸۳۷۹۸ ورزشکار مرد و ۶۸۵۶۲ ورزشکار زن هستند و نسبت جنسیتی ورزشکاران ۵۵ درصد مرد و ۴۵ درصد زن می‌باشند؛ در شهر انزلی، بر اساس آمارهای گزارش شده از سوی اداره‌ی تربیت بدنی شهرستان انزلی، تعداد ورزشکارانی که بصورت فعال در سطح شهر به مشارکت ورزشی می‌پردازند، ۲۰۹۹۴ نفر است، که از این تعداد ۱۱۹۵۲ ورزشکار مرد و ۹۰۴۲ ورزشکار زن هستند و نسبت جنسیتی ورزشکاران ۵۷ درصد مرد و ۴۳ درصد زن می‌باشند. با قرار گرفتن رقم مذکور در فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر برای ورزشکاران شهر رشت و انزلی محاسبه گردید. به منظور جمع آوری داده‌های تحقیق (توزیع پرسشنامه‌ها در میان ورزشکاران رشته‌های در نظر گرفته شده) ابتدا لیست کلیه‌ی باشگاه‌های ورزشی سطح شهر رشت و انزلی از سازمان ورزش و جوانان گرفته شد و سپس از مجموع کل باشگاه‌های ورزشی آن دسته از باشگاه‌هایی انتخاب شدند که در ۱۰ رشته‌ی ورزشی با بیشترین میزان مشارکت ورزشی - رشته‌های فوتبال، تکواندو، کاراته، والیبال، بسکتبال، فوتسال، شنا، کشتی، وزنه برداری و هندبال - عضو گیری می‌نمودند. براین اساس با استفاده از روش نمونه گیری سهمیه‌ای با توجه به نسبت جنسیتی و سهم هر رشته ورزشی در تعداد ورزشکاران کل و تصادفی - با توجه به لیست ورزشکاران هر باشگاه - حجم نمونه پژوهش انتخاب گردیدند.

1 Imitation

2 Bandura

3 Li

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در قسمت روایی ابزار پژوهش از شاخص‌های روایی صوری - منطقی و ظاهری - روایی همگرا، روایی واگر، تحلیل عاملی تاییدی بهره گرفته شد و در قسمت پایایی، ابزار پژوهش با شاخص‌های آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار Amos نسخه ۲۴ بهره گرفته شد.

شاخص‌های مورد استفاده در آزمون تئوری یادگیری اجتماعی

مطابق با تئوری یادگیری اجتماعی، رفتارهای کجروانه در بستری از پیوندهای افتراقی، تقویت‌کننده‌های افتراقی، تقلید و تعاریف یادگرفته می‌شود (ایکرز و همکاران، ۱۹۷۹). بعد پیوند افتراقی: پیوند افتراقی، اشاره به میزان ارتباط فرد از نظر فیزیکی و نگرشی (کیفیت عقیده) با افرادی است که به رفتارهای انحرافی مشغول‌اند و از نظر فراوانی، تقدم، شدت و الویت ارتباط نیز متفاوت می‌باشند (ایکرز و همکاران، ۱۹۷۹؛ لی و همکاران، ۲۰۰۴، وریل، ۲۰۰۵) در این پژوهش نیز بعد ارتباط هنجاری اشاره به کیفیت عقیده و نگرش دیگران مهم در باب مصرف مواد نیروزا دارد و بعد ارتباطی نیز به میزان ارتباط فرد با افراد کجرو اشاره دارد. بعد تقویت‌کننده افتراقی: بعد تقویت‌کننده‌های افتراقی اشاره به بازخوردهای منفی و مثبت حاصل از رفتارهای انحرافی است، که می‌تواند در اشکال تقویت‌کننده‌های مثبت و منفی نمود یابد و شامل دستاوردهای فردی، اجتماعی و بازدارندگی ادراکی می‌باشد (ایکرز و همکاران، ۱۹۷۹؛ لی و همکاران، ۲۰۰۴؛ وریل، ۲۰۰۵). در این پژوهش نیز تقویت‌کننده‌های افتراقی اشاره به همه بازخوردهای مثبت و منفی ناشی از رفتارهای کجروانه ورزشکاران دارد. بعد تعاریف: تعاریف اشاره به نرم‌ها، عقاید و جهت‌گیری‌های معطوف به رفتار انحرافی است و شامل تعاریف مثبت و یا خنثی ساز (ایکرز، ۱۹۷۹؛ لی و همکاران، ۲۰۰۴؛ وریل، ۲۰۰۵) می‌باشد. در این پژوهش نیز تعاریف مشتمل بر جهت‌گیری‌های مثبت و خنثی ساز فرد جهت تبرئه رفتار خود و یا مثبت جلوه دادن آن را دارد. تقلید: بعد تقلید، اشاره به مشاهده رفتارهای انحرافی از سوی کلیه افراد مهم و مورد ستایشی است که فرد با آن‌ها در ارتباط است (لی و همکاران، ۲۰۰۴؛ ایکرز و همکاران، ۱۹۷۹) در این پژوهش نیز بعد تقلید اشاره به، کلیه افرادی دارد که در حکم الگوهای مرجع (خانواده، دوستان، همکاران و دیگران مهم) به رفتارهای کجروانه مشغول بوده و فرد از آنها پیروی می‌نماید.

مقیاس مصرف مواد نیروزای غیرمجاز: به منظور سنجش مصرف مواد نیروزا از مقیاس مورد استفاده از در پژوهش ویتاکر و همکاران (۲۰۱۴) و کبیری و همکاران (۲۰۱۷) استفاده شده است. مقیاس مذکور سه بعد مصرف مواد نیروزا در گذشته، حال و آینده را قالب طیف لیکرت ۴ گزینیه‌ای مورد سنجش قرار داده و نمرات بالاتر نشان‌دهنده درگیری بیشتر ورزشکار در مصرف مواد نیروزای غیر مجاز است.

مشخصات دموگرافیک ورزشکاران

یافته‌های جمعیت‌شناختی این پژوهش حاکی از آن بود که ۵۹/۹ درصد از پاسخگویان را ورزشکاران مرد و ۴۰/۱ درصد را نیز ورزشکاران زن تشکیل داده اند؛ ۳۱/۸ درصد از پاسخگویان زیر ۲۰ سال، ۲۹/۳ درصد

بین ۲۰ الی ۲۵ درصد؛ ۲۹/۳ درصد بین ۲۶ الی ۳۰ سال و ۹/۶ درصد نیز بالاتر از ۳۰ سال بودند. ۵۱/۱ درصد از پاسخگویان را ورزشکاران مجرد و ۴۸/۹ درصد را نیز ورزشکاران متأهل تشکیل دادند. ۷/۸ درصد از پاسخگویان دارای سطح تحصیلات سیکل؛ ۱۷/۵ درصد دیپلم؛ ۳۲/۵ درصد کاردانی؛ ۳۱/۳ درصد کارشناسی و ۱۱ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر بودند و ۲۶/۴ درصد از پاسخگویان سابقه مشارکت ورزشی زیر ۵ سال، ۲۶/۳ درصد بین ۵ الی ۱۰ سال، ۲۹ درصد بین ۱۱ الی ۱۵ سال و ۱۸/۴ درصد نیز بالاتر از ۱۵ سال داشته‌اند.

روایی و پایایی ابزار پژوهش

ضرایب خلاصه شده مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش حاکی از آن است که کلیه شاخص‌های برآمده از تئوری یادگیری اجتماعی و همچنین مقیاس مصرف مواد نیروزا در سطح مطلوب و قابل قبول گزارش گردیده‌اند.

جدول شماره ۱ - خلاصه ضرایب مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش

آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی واگرا MSV < AVE	روایی همگرا	تحلیل عاملی تاییدی	
				کمینه - بیشینه	
۰/۸۷۶	۰/۸۷۲	۰/۴۲۸ < ۰/۵۳۳	۰/۵۳۳	۰/۷۵ - ۰/۶۹	پیوند رفتاری
۰/۸۵۵	۰/۸۵۰	۰/۴۲۸ < ۰/۶۵۵	۰/۶۵۵	۰/۸۷ - ۰/۷۶	پیوند تجاری
۰/۷۵۱	۰/۷۴۸	۰/۵۹۰ < ۰/۵۹۷	۰/۵۹۷	۰/۷۹ - ۰/۷۶	دستاورد اجتماعی
۰/۷۷۳	۰/۷۶۹	۰/۵۲۱ < ۰/۵۲۶	۰/۵۲۶	۰/۷۵ - ۰/۶۸	دستاورد فردی
۰/۷۲۴	۰/۷۲۲	۰/۳۸۴ < ۰/۵۶۷	۰/۵۶۷	۰/۸۲ - ۰/۶۸	بازدارندگی
۰/۹۰۲	۰/۸۹۷	۰/۳۸۴ < ۰/۵۲۱	۰/۵۲۱	۰/۷۵ - ۰/۶۸	تعاریف خنثی ساز
۰/۸۳۱	۰/۸۲۶	۰/۳۸۴ < ۰/۵۴۲	۰/۵۴۲	۰/۷۶ - ۰/۷۰	تعاریف مثبت
۰/۸۲۵	۰/۸۲۱	۰/۳۹۸ < ۰/۶۹۸	۰/۶۹۸	۰/۹۰ - ۰/۷۷	تقلید از گروه اولیه
۰/۷۸۳	۰/۷۸۰	۰/۳۹۸ < ۰/۶۴۰	۰/۶۴۰	۰/۸۳ - ۰/۷۷	تقلید از گروه ثانویه
۰/۸۳۱	۰/۸۲۸	۰/۴۸۰ < ۰/۶۱۶	۰/۶۱۶	۰/۸۱ - ۰/۷۶	دوپینگ

نکته: تحلیل عاملی تاییدی به صورت تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول گزارش گردیده است. روایی واگرا در این پژوهش از برآورد کوچکتر بودن مقدار میانگین واریانس استخراج شده^۱ از حداکثر واریانس مشترک^۲ برآورد گردیده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی این پژوهش - فراوانی ورزشکاران برحسب مصرف مواد نیروزا در سه دوره گذشته، حال و آینده و همچنین کل - نشان داد، در بعد مصرف مواد نیروزا در گذشته، ۲۶/۴ درصد از پاسخگویان اصلاً

1 Average Variance Extracted (AVE)

2 Maximum Shared Squared Variance (MSV)

از مواد نیروزا استفاده نکرده‌اند؛ ۲۶/۳ درصد کم استفاده کرده‌اند؛ ۲۹ درصد تاحدودی و ۱۸/۴ درصد نیز زیاد استفاده نموده‌اند. در بعد مصرف مواد نیروزا در حال حاضر، ۴۱/۱ درصد از پاسخگویان اصلاً از مواد نیروزا استفاده نمی‌کنند؛ ۲۷/۲ درصد کم استفاده می‌کنند؛ ۲۰/۸ درصد تاحدودی استفاده نموده و ۱۱/۴ درصد نیز زیاد (به طور منظم و سیستماتیک) استفاده می‌کنند. در بعد قصد مصرف مواد نیروزا در آینده، ۳۵/۸ درصد از پاسخگویان تمایلی به استفاده از مواد نیروزا را ندارند؛ ۲۸/۳ درصد تمایل کم؛ ۲۲/۸ درصد تمایل متوسط و ۱۳ درصد نیز تمایل زیاد به استفاده از مواد نیروزا دارند. در بعد قصد مصرف مواد نیروزا به صورت کل، ۱۴ درصد از پاسخگویان اصلاً؛ ۴۵/۹ درصد تمایل کم؛ ۲۴/۹ درصد تمایل متوسط و ۱۵/۲ درصد نیز تمایل زیاد به استفاده از مواد نیروزا دارند.

مقایسه ورزشکاران زن و مرد بر حسب مصرف مواد نیروزا

همانطور که آزمون مقایسه میانگین (تی تست) نشان می‌دهد، تفاوت معناداری بین زنان ورزشکار (۰/۰۶۴) و مردان ورزشکار (۱/۳۷) از نظر مصرف مواد نیروزا در گذشته وجود دارد (ضریب آزمون: ۱۰/۵۱). همچنین تفاوت معناداری بین زنان ورزشکار (۰/۵۸) و مردان ورزشکار (۱/۳۱) از نظر مصرف مواد نیروزا در حال وجود دارد (ضریب آزمون: ۱۰/۳۶). در بعدی دیگر تفاوت معناداری بین زنان ورزشکار (۰/۷۸) و مردان ورزشکار (۱/۳۶) از نظر مصرف مواد نیروزا در آینده وجود دارد (ضریب آزمون: ۷/۸۹). در آخر تفاوت معناداری بین زنان ورزشکار (۱/۹۸) و مردان ورزشکار (۴/۰۹) از نظر مصرف مواد نیروزا به صورت کلی وجود دارد (ضریب آزمون: ۱۱/۹۹).

جدول شماره ۲- مقایسه میانگین دوپینگ ورزشکاران به تفکیک جنسیت

ضریب t	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	جنسیت	
-۱۰/۵۱**	۰/۸۵	۰/۶۴	۳۱۴	زن	دوپینگ در گذشته
	۱/۰۳	۱/۳۷	۴۷۰	مرد	
-۱۰/۳۶**	۰/۸۴	۰/۵۸	۳۱۴	زن	دوپینگ در حال
	۱/۰۴	۱/۳۱	۴۷۰	مرد	
-۷/۸۹**	۰/۹۱	۰/۷۸	۳۱۴	زن	دوپینگ در آینده
	۱/۰۷	۱/۳۶	۴۷۰	مرد	
-۱۱/۹۹**	۲/۰۱	۱/۹۸	۳۱۴	زن	دوپینگ کل
	۲/۶۵	۴/۰۹	۴۷۰	مرد	

نکته: * سطح معناداری ۰/۰۵؛ ** سطح معناداری ۰/۰۱؛ اعداد داخل جدول بر اساس دو رقم اعشار گردیده‌اند؛ درجه آزادی: ۷۸۲

بطور کلی یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که میزان مصرف مواد نیروزای مردان ورزشکار در قیاس با زنان ورزشکار در گذشته، حال و آینده بالاتر بوده است.

مقایسه رشته‌های ورزشی بر حسب مصرف مواد نیروزا

همانطور که آزمون مقایسه میانگین (آنوا به همراه آزمون تعقیبی LSD) نشان می‌دهد، تفاوت معناداری بین رشته‌های ورزشی از نظر مصرف مواد نیروزا وجود دارد. به عبارتی دقیقتر، در ستون دوپینگ ورزشکاران در گذشته، بیشترین میزان مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران به ترتیب در رشته‌های وزنه برداری (۱/۴۳)، کشتی (۱/۴۰) و فوتسال (۱/۲۸) گزارش گردیده است و متعاقب آن کمترین میزان مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران رشته‌های ورزشی بسکتبال (۰/۷۱)، والیبال (۰/۷۳) و کاراته (۰/۹۳) گزارش گردیده است، آزمون آنوا نیز حاکی از آن است که تفاوت‌های گزارش شده در بین رشته‌های ورزشی از نظر آماری معنادار است (ضریب آزمون: ۳/۷۸). در ستون دوپینگ ورزشکاران در زمان حال، بیشترین میزان مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران به ترتیب در رشته‌های وزنه برداری (۱/۴۸)، فوتسال (۱/۴۴) و کشتی (۱/۲۱) گزارش گردیده است و متعاقب آن کمترین میزان مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران رشته‌های ورزشی بسکتبال (۰/۵۹)، والیبال (۰/۶۷) و کاراته (۰/۸۲) گزارش گردیده است، آزمون آنوا نیز حاکی از آن است که تفاوت‌های گزارش شده در بین رشته‌های ورزشی از نظر آماری معنادار است (ضریب آزمون: ۳/۶۳). در ستون دوپینگ ورزشکاران در زمان آینده، بیشترین میزان مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران به ترتیب در رشته‌های فوتسال (۱/۳۴)، وزنه برداری (۱/۳۰) و فوتسال (۱/۲۸) گزارش گردیده است و متعاقب آن کمترین میزان مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران رشته‌های ورزشی بسکتبال (۰/۸۳)، والیبال (۰/۸۴) و هندبال (۰/۹۷) گزارش گردیده است، آزمون آنوا نیز حاکی از آن است که تفاوت‌های گزارش شده در بین رشته‌های ورزشی از نظر آماری معنادار است (ضریب آزمون: ۳/۴۷). در ستون دوپینگ ورزشکاران به صورت کلی، بیشترین میزان مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران به ترتیب در رشته‌های وزنه برداری (۴/۱۳)، کشتی (۳/۸۸) و فوتسال (۳/۸۶) گزارش گردیده است و متعاقب آن کمترین میزان مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران رشته‌های ورزشی بسکتبال (۲/۰۹)، والیبال (۲/۴۲) و کاراته (۲/۸۶) گزارش گردیده است، آزمون آنوا نیز حاکی از آن است که تفاوت‌های گزارش شده در بین رشته‌های ورزشی از نظر آماری معنادار است (ضریب آزمون: ۳/۹۷).

جدول شماره ۳- مقایسه میانگین مصرف مواد نیروزا ورزشکاران به تفکیک رشته ورزشی (حجم نمونه:

۷۴۸ نفر)

	دوپینگ در گذشته		دوپینگ در حال		دوپینگ در آینده		دوپینگ کل
	فراوانی میانگین	آزمون تعقیبی	میانگین	آزمون تعقیبی	میانگین	آزمون تعقیبی	
وزنه برداری	۲۳	۱/۴۳	۹.۸.۳.۲ < ۱	۱/۴۸	۱/۳۰	-	۴/۱۳
تکواندو	۱۰۵	۰/۹۴	۱۰.۶.۱ > ۲	۰/۹۴	۱/۰۴	۶ > ۲	۲/۹۶
کاراته	۹۰	۰/۹۳	۱۰.۶.۵.۱ > ۳	۰/۸۲	۱/۰۱	۶ > ۳	۲/۸۶
هندبال	۳۳	۱/۰۶	-	۰/۹۷	۷ > ۴	-	۳/۲۱
شنا	۶۵	۱/۱۷	۹.۸.۳ < ۵	۱/۱۸	۱/۲۶	۹.۸.۳ < ۵	۳/۵۲
فوتسال	۲۵۱	۱/۲۲	۹.۸.۳.۲ < ۶	۱/۱۱	۹.۸.۳ < ۶	۹.۸.۳.۲ < ۶	۳/۶۱

جدول شماره ۳- مقایسه میانگین مصرف مواد نیروزا ورزشکاران به تفکیک رشته ورزشی (حجم نمونه: ۷۴۸ نفر)

فوتسال	۵۰	دوپینگ در گذشته		دوپینگ در حال		دوپینگ در آینده		دوپینگ کل	
		میانگین	آزمون تعقیبی	میانگین	آزمون تعقیبی	میانگین	آزمون تعقیبی	میانگین	آزمون تعقیبی
فوتسال	۵۰	۱/۲۸	۹.۸ < ۷	۱/۴۴	۷.۶، ۴.۳، ۲.۲ < ۷ ۸	۱/۳۴	۹.۸ < ۷	۳/۸۶	۹.۸، ۳.۲، ۲ < ۷
والیبال	۶۷	۰/۷۳	۱۰.۷، ۶.۵، ۵ > ۸	۰/۶۷	۱۰.۷، ۶.۵، ۵ > ۸	۰/۸۴	۷.۶، ۵.۵ > ۸	۲/۴۲	۱۰.۷، ۶.۵، ۱، ۵ > ۸
بسکتبال	۵۸	۰/۷۱	۱۰.۷، ۶.۵ > ۹	۰/۵۹	۱۰.۷، ۶.۵، ۲.۱، ۱ > ۹	۰/۸۳	۷.۶، ۵.۵ > ۹	۲/۰۹	۱۰.۷، ۶.۵، ۴.۲، ۱، ۵ > ۹
کشتی	۴۲	۱/۴۰	۹.۸، ۳.۲ < ۱۰	۱/۲۱	۹.۸، ۳ < ۱۰	۱/۱۹	-	۳/۸۸	۹.۸، ۳ < ۱۰
		ضریب F: ۳/۷۸**		ضریب F: ۲/۶۳**		ضریب F: ۲/۴۷**		ضریب F: ۳/۹۷**	

نکته: آزمون آنوا به همراه آزمون تعقیبی اجرا گردیده است و ستون آزمون تعقیبی اشاره به معناداری مقایسه گروهی با ضریب LSD در سطح ۰/۰۵ دارد.

فرایند یادگیری اجتماعی مصرف مواد نیروزا

به باور کبیری و همکاران (۲۰۱۷) محیط اجتماعی و بستری که در آن ورزشکار به کنش متقابل با اطرافیان می‌پردازد، تأثیر معناداری بر مصرف مواد نیروزا و غیرقانونی دارد، در حقیقت گرایش ورزشکاران به دوپینگ تحت تأثیر محیط اجتماعی (پیوندهای افتراقی، تقویت کننده‌های افتراقی، تعاریف مطلوب و تقلید از گروه‌های مرجع) قرار داشته و با افزایش پیوندهای افتراقی بر میزان اعتقادات مثبت معطوف به مصرف مواد نیروزا، سودمندهای اجتماعی و تقلید از اطرافیانی که مبادرت به مصرف مواد نیروزا نیز می‌نمایند به گونه‌ای معنادار افزایش یافته و چنین فرایند منجر به افزایش مصرف مواد نیروزا توسط ورزشکاران می‌گردد. همانطور که ضرایب مستقیم مدل فرایند یادگیری اجتماعی (جدول ۴) نشان می‌دهد، پیوند افتراقی (ضریب بتا: ۰/۲۷)، تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۲۶)، تعاریف (ضریب بتا: ۰/۲۱) و تقلید (ضریب بتا: ۰/۱۵) تأثیر معنادار و مستقیمی بر مصرف مواد نیروزای ورزشکاران دارند. در بعدی دیگر پیوند افتراقی (ضریب بتا: ۰/۳۱)، تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۲۴) و تعاریف (ضریب بتا: ۰/۲۰) تأثیر معنادار و مستقیمی بر تقلید ورزشکاران از اطرافیانی که مبادرت به مصرف مواد نیروزا می‌کنند، دارند. همچنین پیوند افتراقی تأثیر معنادار و مستقیمی بر تعاریف (ضریب بتا: ۰/۴۱) و تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۴۴) دارد. همانطور که ضرایب غیرمستقیم مدل فرایند یادگیری اجتماعی نیز نشان می‌دهد، پیوند افتراقی (ضریب بتا: ۰/۲۷) با تأثیر مستقیم بر تعاریف، تقلید و تقویت کننده‌های افتراقی به صورت غیرمستقیم بر مصرف مواد نیروزای ورزشکاران تأثیر گذار است، تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۳۴) با تأثیرگذاری مستقیم بر تقلید به صورت غیرمستقیم بر مصرف مواد نیروزا ورزشکاران تأثیر گذار است؛ تعاریف (ضریب بتا: ۰/۳۰) با تأثیرگذاری مستقیم بر تقلید به صورت غیرمستقیم بر مصرف مواد نیروزا ورزشکاران تأثیر گذار است. در بعدی دیگر، پیوند افتراقی با تأثیرگذاری مستقیم بر تعاریف و تقویت کننده افتراقی به صورت غیرمستقیم بر تقلید ورزشکاران (ضریب بتا: ۰/۱۹) تأثیر گذار است. در ادامه همانطور که ضرایب

تعیین مدل پژوهش نشان می‌دهد، پیوند افتراقی، تقویت کننده افتراقی، تعاریف و تقلید قادرند ۴۳ درصد از واریانس مصرف مواد نیروزای ورزشکاران را پیش بینی نمایند. در بعدی دیگر، پیوند افتراقی، تقویت کننده افتراقی و تعاریف قادرند ۳۲ درصد از واریانس تقلید ورزشکاران را تبیین نمایند. همچنین پیوند افتراقی قادر است به ترتیب ۱۶ و ۲۰ درصد از واریانس تعاریف و تقویت کننده افتراقی ورزشکاران پیش بینی نماید. در ادامه در مدل مربوط به زنان ورزشکار پیوند افتراقی (ضریب بتا: ۰/۲۳)، تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۱۸)، تعاریف (ضریب بتا: ۰/۱۹) و تقلید (ضریب بتا: ۰/۱۹) تأثیر معنادار و مستقیمی بر مصرف مواد نیروزای ورزشکاران دارند. در بعدی دیگر پیوند افتراقی (ضریب بتا: ۰/۲۸)، تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۲۷) و تعاریف (ضریب بتا: ۰/۱۸) تأثیر معنادار و مستقیمی بر تقلید ورزشکاران از اطرافیانی که مبادرت به مصرف مواد نیروزا می‌کنند، دارند. همچنین پیوند افتراقی تأثیر معنادار و مستقیمی بر تعاریف (ضریب بتا: ۰/۲۵) و تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۳۳) دارد. همانطور که ضرایب غیرمستقیم مدل فرایند یادگیری اجتماعی (جدول ۴-) نشان می‌دهد، پیوند افتراقی (ضریب بتا: ۰/۱۸) با تأثیر مستقیم بر تعاریف، تقلید و تقویت کننده‌های افتراقی به صورت غیرمستقیم بر مصرف مواد نیروزای ورزشکاران تأثیر گذار است، تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۰۵) با تأثیرگذاری مستقیم بر تقلید به صورت غیرمستقیم بر مصرف مواد نیروزا ورزشکاران تأثیرگذار است؛ تعاریف (ضریب بتا: ۰/۰۳) با تأثیرگذاری مستقیم بر تقلید به صورت غیرمستقیم بر مصرف مواد نیروزا ورزشکاران تأثیرگذار است. در بعدی دیگر، پیوند افتراقی با تأثیرگذاری مستقیم بر تعاریف و تقویت کننده افتراقی به صورت غیرمستقیم بر تقلید ورزشکاران (ضریب بتا: ۰/۱۳) تأثیر گذار است. در ادامه همانطور که ضرایب تعیین مدل پژوهش نشان می‌دهد، پیوند افتراقی، تقویت کننده افتراقی، تعاریف و تقلید قادرند ۲۹ درصد از واریانس مصرف مواد نیروزای ورزشکاران را پیش بینی نمایند. در بعدی دیگر، پیوند افتراقی، تقویت کننده افتراقی و تعاریف قادرند ۲۶ درصد از واریانس تقلید ورزشکاران را تبیین نمایند. همچنین پیوند افتراقی قادر است به ترتیب ۰/۰۶ و ۱۰ درصد از واریانس تعاریف و تقویت کننده افتراقی ورزشکاران پیش بینی نماید. در ادامه در مدل مربوط به مردان ورزشکار پیوند افتراقی (ضریب بتا: ۰/۲۴)، تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۳۰)، تعاریف (ضریب بتا: ۰/۱۹) و تقلید (ضریب بتا: ۰/۱۶) تأثیر معنادار و مستقیمی بر مصرف مواد نیروزای ورزشکاران دارند. در بعدی دیگر پیوند افتراقی (ضریب بتا: ۰/۳۳)، تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۲۱) و تعاریف (ضریب بتا: ۰/۲۳) تأثیر معنادار و مستقیمی بر تقلید ورزشکاران از اطرافیانی که مبادرت به مصرف مواد نیروزا می‌کنند، دارند. همچنین پیوند افتراقی تأثیر معنادار و مستقیمی بر تعاریف (ضریب بتا: ۰/۴۳) و تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۴۵) دارد. همانطور که ضرایب غیرمستقیم مدل فرایند یادگیری اجتماعی (جدول ۴-) نشان می‌دهد، پیوند افتراقی (ضریب بتا: ۰/۳۰) با تأثیر مستقیم بر تعاریف، تقلید و تقویت کننده‌های افتراقی به صورت غیرمستقیم بر مصرف مواد نیروزای ورزشکاران تأثیر گذار است، تقویت کننده افتراقی (ضریب بتا: ۰/۰۳) با تأثیرگذاری مستقیم بر تقلید به صورت غیرمستقیم بر مصرف مواد نیروزا ورزشکاران تأثیرگذار است؛ تعاریف (ضریب بتا: ۰/۰۴) با تأثیرگذاری مستقیم بر تقلید به صورت غیرمستقیم بر مصرف مواد نیروزا ورزشکاران تأثیرگذار است. در بعدی دیگر، پیوند افتراقی با تأثیرگذاری مستقیم بر تعاریف و تقویت

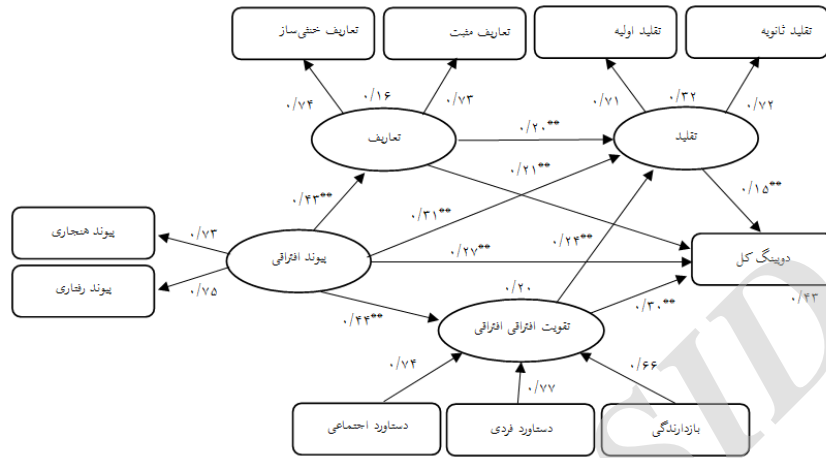
کننده افتراقی به صورت غیرمستقیم بر تقلید ورزشکاران (ضریب بتا: ۰/۱۹) تأثیر گذار است. در ادامه همانطور که ضرایب تعیین مدل پژوهش نشان می‌دهد، پیوند افتراقی، تقویت کننده افتراقی، تعاریف و تقلید قادرند ۴۴ درصد از واریانس مصرف مواد نیروزای ورزشکاران را پیش بینی نمایند. در بعدی دیگر، پیوند افتراقی، تقویت کننده افتراقی و تعاریف قادرند ۳۵ درصد از واریانس تقلید ورزشکاران را تبیین نمایند. همچنین پیوند افتراقی قادر است به ترتیب ۱۸ و ۲۰ درصد از واریانس تعاریف و تقویت کننده افتراقی ورزشکاران پیش بینی نماید.

جدول شماره ۴- مدل ضرایب مستقیم و غیر مستقیم عوامل تاثیرگذار بر مصرف مواد نیروزا ورزشکاران

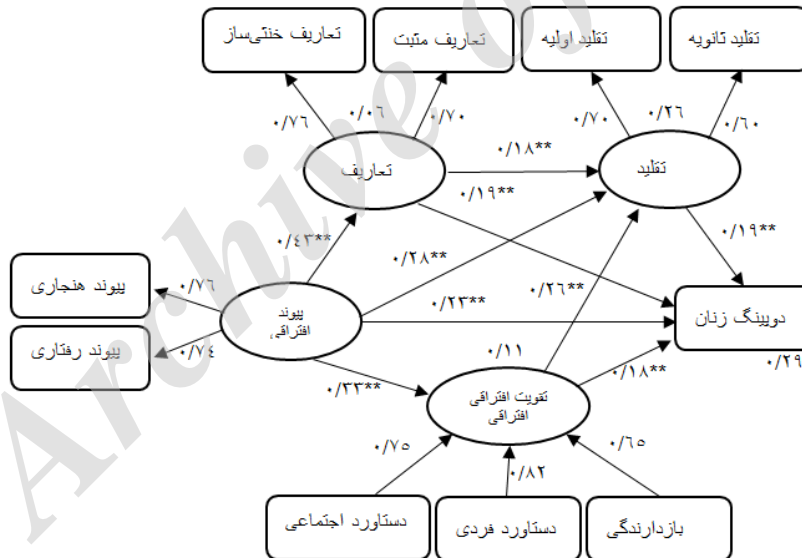
مدل کل (۷۸۴ نفر)	مدل زنان (۳۱۴ نفر)		مدل مردان (۴۷۰ نفر)		تاریف	تقویت کننده افتراقی	تقلید
	ضرایب مستقیم	ضرایب غیرمستقیم	ضرایب مستقیم	ضرایب غیرمستقیم			
۰/۱۷ (-/۲۷۵۵)	۰/۱۱ (-/۲۳۵۵)	۰/۱۸ (-/۱۸۵۵)	۰/۱۵ (-/۲۲۵۵)	۰/۱۹ (-/۲۳۵۵)	دوپیگ	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۱۹ (-/۲۶۵۵)	۰/۱۴ (-/۱۸۵۵)	۰/۰۴ (-/۵۵۵)	۰/۴۰ (-/۳۰۵۵)	۰/۰۴ (-/۰۳۵)	دوپیگ	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۱۱ (-/۲۱۵۵)	۰/۰۲ (-/۳۰۵۵)	۰/۰۱ (-/۰۳۵)	۰/۱۱ (-/۱۹۵۵)	۰/۰۲ (-/۰۴۵)	دوپیگ	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۲۳ (-/۱۵۵۵)	-	۰/۲۱ (-/۱۹۵۵)	۰/۲۶ (-/۱۶۵۵)	-	دوپیگ	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۴۳	۰/۱۹	-	۰/۴۴	-	ضریب تعیین	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۱۲ (-/۳۱۵۵)	۰/۰۷ (-/۱۹۵۵)	۰/۱۲ (-/۱۸۵۵)	۰/۱۳ (-/۳۳۵۵)	۰/۰۷ (-/۱۹۵۵)	تقلید	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۱۷ (-/۲۳۵۵)	-	۰/۱۹ (-/۲۷۵۵)	۰/۱۷ (-/۲۱۵۵)	-	تقلید	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۰۷ (-/۲۰۵۵)	-	۰/۰۶ (-/۱۸۵۵)	۰/۰۸ (-/۲۲۵۵)	-	تقلید	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۲۶	۰/۳۵	-	ضریب تعیین	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۳۹ (-/۴۱۵۵)	-	۰/۳۰ (-/۲۵۵۵)	۰/۴۹ (-/۴۳۵۵)	-	تاریف	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۱۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۱۸	-	ضریب تعیین	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۲۳ (-/۲۴۵۵)	-	۰/۲۰ (-/۲۳۵۵)	۰/۲۲ (-/۲۵۵۵)	-	تقویت کننده افتراقی	تقویت کننده افتراقی	تقلید
۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۲۰	-	ضریب تعیین	تقویت کننده افتراقی	تقلید

نکته: * سطح معناداری ۰/۰۵؛ ** سطح معناداری ۰/۰۱؛ اعداد داخل جدول بر اساس دو رقم اعشار گرد گردیده‌اند؛ ضریب غیراستاندارد (ضریب استاندارد)

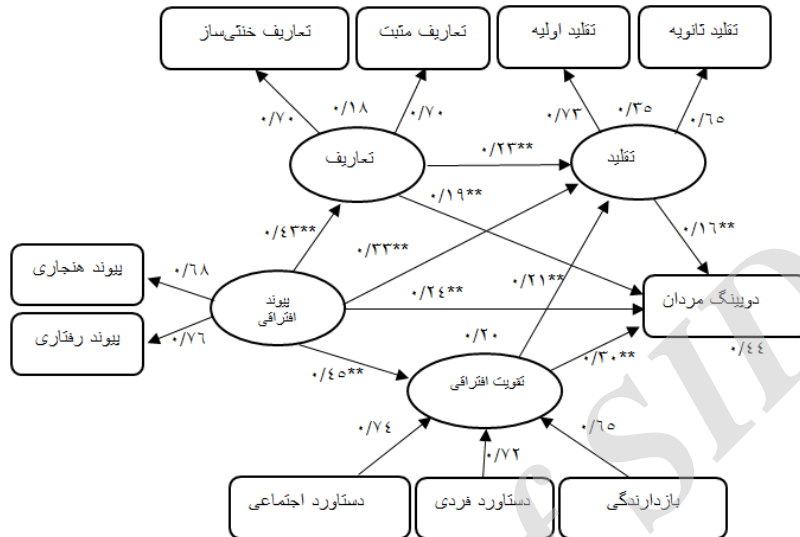
جهت تعیین کفایت برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفتند: شاخص هنجار شده مجذور کای، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش هنجار شده، شاخص برازندگی تطبیقی، شاخص توکر- لویس و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب. همان‌گونه که ضرایب برازش مدل نشان می‌دهد، الگوی تحقیق از برازش خوبی برخوردار است (هو و بنتلر، ۱۹۹۹). بطور کلی مدل فرایند یادگیری اجتماعی بر این واقعیت مهم تأکید دارد که مصرف مواد نیروزا، همانند سایر اشکال کجروی، در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد. در این ارتباط، با افزایش ارتباطات هنجاری و رفتاری با افرادی که سابقه مصرف مواد نیروزا دارند، به تدریج تعاریف مثبت و خنثی ساز (تسهیل گر) معطوف به مصرف مواد نیروزا افزایش یافته، فرد ورزشکار، سودمندیهای فردی و اجتماعی بالاتری را ادراک نموده و دامنه تقلید از الگوهای رفتاری اطرافیان بدین معنا، افزایش چشمگیری می‌یابد و متعاقب این شرایط افزایش مصرف مواد نیروزا توسط ورزشکار است.



شکل شماره ۱- مدل استاندارد فرایند یادگیری اجتماعی مصرف مواد نیروزا ورزشکاران در حالت کل (فراوانی: ۷۸۴)



شکل شماره ۲- مدل استاندارد فرایند یادگیری اجتماعی مصرف مواد نیروزا ورزشکاران زن (فراوانی: ۳۱۴)



شکل شماره ۳- مدل استاندارد فرایند یادگیری اجتماعی مصرف مواد نیروزا ورزشکاران مرد (فراوانی: ۴۷۰)

کای اسکوتر بهنجار شده: ۳/۰۴۰؛ شاخص نیکویی برازش: ۰/۹۶۹؛ شاخص نیکویی برازش اصلاح شده: ۰/۹۳۹؛ شاخص توکر لویس: ۰/۹۳۳؛ شاخص برازندگی تطبیقی: ۰/۹۵۸؛ ریشه میانگین خطای برآورد: ۰/۰۳۶

تحلیل جنسیتی عوامل تاثیرگذار بر مصرف مواد نیروزا ورزشکاران

یکی از مهمترین نقاط قوت هرنظریه توانایی مدل نظری در تبیین رفتارهای گروه هدف به تفکیک جنسیت است. به منظور بررسی تحلیل جنسیتی مدل معادلات ساختاری، از تحلیل‌های واریانس و هم چنین نرم افزار Stats Tools Package استفاده گردیده است. در مرحله اول مدل معادلات ساختاری روابط علی در دو گروه زنان و مردان ورزشکار به همراه کلیه پارامترهای محتمل به منظور مقایسه مدل زنان و مردان ورزشکار مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره ۵- تحلیل واریانس مدل معادلات ساختاری فرایند یادگیری اجتماعی مصرف مواد نیروزا زنان و مردان ورزشکار

	مدل مردان	مدل زنان			
نمرات z	ضریب غیراستاندارد	ضریب غیراستاندارد			
	۰/۵۰***	۰/۳۱***	تعریف	<---	پیوند افتراقی
	۰/۳۴***	۰/۲۱***	تقویت کننده افتراقی	<---	پیوند افتراقی
	۰/۰۸***	۰/۹۰***	تقلید	<---	تعریف

ادامه جدول شماره ۵- تحلیل واریانس مدل معادلات ساختاری فرایند یادگیری اجتماعی مصرف مواد

نیروزا زنان و مردان ورزشکار

	مدل مردان	مدل زنان			
نمرات z	ضریب غیراستاندارد	ضریب غیراستاندارد			
-۰/۳۷	۰/۱۸**	۰/۱۶**	تقلید	<---	پیوند افتراقی
-۰/۳۳	۰/۱۷**	۰/۱۹**	تقلید	<---	تقویت کننده افتراقی
-۰/۷۰	۰/۱۵**	۰/۱۱**	دوپینگ	<---	پیوند افتراقی
-۰/۸۳	۰/۱۱**	۰/۰۷**	دوپینگ	<---	تعاریف
۲/۸۵**	۰/۳۹**	۰/۱۴**	دوپینگ	<---	تقویت کننده افتراقی
-۰/۴۴	۰/۲۶*	۰/۲۰*	دوپینگ	<---	تقلید
نکته: * سطح معناداری ۰/۰۵؛ ** سطح معناداری ۰/۰۱					

همانطور که تحلیل واریانس روابط علی مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد، تفاوت معناداری بین زنان (ضریب غیراستاندارد: ۰/۱۴) و مردان (ضریب غیراستاندارد: ۰/۳۹) ورزشکار از نظر تأثیر تقویت کننده افتراقی بر مصرف مواد نیروزا وجود دارد (ضریب آزمون: ۲/۸۵) و می‌توان ادعا نمود که ورزشکاران مرد در قیاس با ورزشکاران زن بیشتر بواسطه سودمندی‌هایی که مصرف مواد نیروزا دارد به سمت دوپینگ گرایش می‌یابند. در سایر روابط علی بین زنان و مردان ورزشکار از نظر پارامترهای اندازه گیری شده وجود نداشته و نتایج به طور کلی حاکی از آنند که مسیرهای پیشفرض مدل از نظر نمرات اندازه گیری تفاوتی با یکدیگر ندارند. همچنین مقایسه ضرایب تعیین پژوهش نیز حاکی از آن است که مدل زنان و مردان به ترتیب قادرند ۲۹ و ۴۴ درصد از مصرف مواد نیروزای ورزشکاران را به درستی پیش بینی نمایند.

بحث و نتیجه گیری پژوهش

تئوری یادگیری اجتماعی ایکرز، مدعی است که ۴ عامل نقش مهمی در فعالیت‌های کجروانه همچون مصرف مواد نیروزا دارند: پیوندهای افتراقی، تقویت کننده‌های افتراقی (اجتماعی و غیر اجتماعی)، الگوهای رفتاری (یادگیری نیابتی^۱) و تعاریف مطلوب رفتارهای انحرافی. به عقیده ایکرز و یسنن (۲۰۱۱) رفتارهای انحرافی همچون مصرف مواد نیروزا واکنش و نتیجه مثبت میزان ارتباط با اشخاص و سایر منابع اجتماعی است که بطور مستقیم رفتارهای انحرافی را تشویق می‌نماید، به عبارت دیگر، نظریه ایکرز در این زمینه نشان می‌دهد که آندسته از افرادی که از میزان پیوندهای افتراقی بیشتری با اطرفیانی که درگیری مصرف مواد نیروزا هستند برخوردارند، بیشتر نیز به ست رفتارهای انحرافی سوق پیدا می‌کنند، در بعدی دیگر، در این ارتباط عوامل چون بازدارندگی‌های رسمی و غیر رسمی، بالانس هزینه و فایده رفتارهای انحرافی همچون مصرف مواد نیروزا، فرایند درگیر شدن ورزشکار در اشکال مختلف رفتارهای انحرافی را تسهیل

1 vicarious learning

نموده و یا منع می‌نماید. به عنوان مثال، میزان بازدارندگی رسمی که افراد با آن در محیط زندگی مواجه هستند، قطعیت، شدت بازدارندگی‌های رسمی و قانونی بالانس هزینه-فایده نقش مهمی در درگیری ورزشکار در مصرف مواد نیروزای غیرمجاز ایفاء می‌نماید، در این راستا، به عنوان مثال، اگر ورزشکار دریابد که بازدارنده‌های رسمی، چندان واکنشی به مصرف مواد نیروزا ندارند، یا والدین و دوستان فرد، وی را به دوپینگ تشویق نموده و یا واکنشی خنثی به رفتارهای مذکور داشته باشند، ورزشکار متمایل به چنین رفتارهای انحرافی، فرایند مشارکت در فعالیت‌های انحرافی را آسان‌تر دانسته و به میزان بیشتری درگیر آنها می‌گردد. در ارتباط با الگوهای رفتاری، نظریه ایکرز مدعی است، الگوهای مرجع رفتاری، آندسته از ورزشکارانی که فرد به نوعی آنها را مورد ستایش قرار داده و سعی می‌نماید، از سبک و شیوه‌های رفتاری آنها پیروی نماید، نقش مهمی در ارتکاب فرد به رفتارهای انحرافی دارند، اگر ورزشکاران مورد نظر درگیر چنین رفتارهایی باشند، این افراد هم براحتی چنین رفتارهایی را طی فرایند تقلید و الگوبرداری تکرار خواهد نمود (ایکز و یسن، ۲۰۰۶)؛ به عنوان مثال، اگر فرد در زندگی خود با ورزشکارانی در ارتباط باشد، که برایش از اهمیت بالایی برخوردار بوده و همچنین درگیر مصرف مواد نیروزا نیز باشد، در نتیجه فرد راحت‌تر به سمت الگوهای رفتاری مذکور سوق خواهد یافت. همچنین به عقیده ایکرز، تعاریف به جهت گیری فرد قبال رفتارهای انحرافی چون دوپینگ اشاره دارد، اگر این جهت گیری مثبت و یا خنثی باشد، ورزشکار به راحتی به رفتارهای انحرافی دست خواهد زد. به عنوان مثال، در این شرایط ورزشکارانی که به رفتارهای انحرافی ورزشی مبادرت می‌ورزند، با دو دسته از تعاریف رفتارهای انحرافی خود را توجیه می‌نمایند، در وهله اول، آنها با اشاره به این که رفتارهایشان مغایرتی با ارزش‌های اخلاقی خود یا جامعه نداشته و حتی سودمند هم هستند به استمرار فعالیت مذکور پرداخته و در وهله دوم، در توجیه چنین رفتارهایی با فرافکنی، مقصر دانستن دیگران و حتی خنثی تلقی نمودن چنین الگوهای رفتاری، به استمرار آن مبادرت می‌ورزند. این پژوهش با استفاده از مدل معادلات ساختاری، روابط علی فرایند یادگیری اجتماعی را در تبیین مصرف مواد نیروزای غیر مجاز ورزشکاران مورد بررسی قرار داد، یافته‌های این تحقیق همسو با پژوهش کوکران و همکاران (۲۰۱۶، ۲۰۱۷)، کبیری و همکاران (۲۰۱۷) حاکی از آن بود که الگوی ساختاری مدل فرایند یادگیری اجتماعی قابلیت تبیین رفتارهای کجروانه را داراست. بر اساس چنین یافته‌ای فرایند یادگیری اجتماعی در ابتدا با پیوندهای افتراقی ورزشکاران با اطرافیان که درگیر رفتارهای انحرافی و پرخطر هستند، آغاز گردیده و پیوندهای افتراقی با اطرافیان به شکل گیری تعاریف مثبت درباب رفتارهای کجروانه و انحرافی انجامیده، به افزایش تقویت کننده‌های افتراقی منجر گردیده و بر تقلید فرد از اطرافیان تأثیر گذار است. به عبارتی دیگر، یافته‌های این تحقیق همسو با پژوهش کبیری و همکاران (۲۰۱۷)، کوکران و همکاران (۲۰۱۶، ۲۰۱۷) حاکی از آن بود که پیوندهای افتراقی مهمترین عامل در تبیین رفتارهای کجروانه بوده و تأثیر معناداری بر شکل گیری تعاریف، تقویت کننده‌های افتراقی و تقلید ورزشکاران داشته و از مسیرهای مذکور تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر رفتارهای کجروانه ورزشکاران می‌گذارد. در بعدی دیگر، تعاریف و تقویت کننده‌های افتراقی با تأثیر گذاری مستقیم بر تقلید ورزشکاران به صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیری ورزشکاران در مصرف مواد نیروزا را تبیین می‌نمایند. همچنین نتایج این پژوهش

حاکمی از آن بود که فرایند یادگیری اجتماعی تأثیر معنادارتری بر مردان ورزشکار در قیاس با زنان ورزشکار دارد. به عنوان مثال مردان ورزشکار در قیاس با زنان ورزشکار از پیوندهای کجروانه بالاتری برخوردار هستند، تعاریف مطلوب‌تری نسبت به رفتارهای کجروانه و پرخطر در محیط‌های ورزشی برخوردارند، سودمندی‌های فردی، اجتماعی بالاتری از درگیری در مصرف مواد نیروزا کسب نموده و بیشتر از زنان ورزشکار از اطرافیان خود رفتارهای انحرافی را تقلید می‌کنند. تحلیل جنسیتی اشکال مختلف رفتارهای کجروانه از سویی دیگر حاکمی از آن بود که تحلیل واریانس روابط علی مدل معادلات ساختاری مصرف مواد نیروزا نشان داد، تفاوت معناداری بین زنان و مردان ورزشکار از نظر تأثیر تقویت‌کننده افتراقی بر مصرف مواد نیروزا وجود دارد و می‌توان ادعا نمود که ورزشکاران مرد در قیاس با ورزشکاران زن بیشتر بواسطه سودمندی‌هایی که مصرف مواد نیروزا دارد به سمت دوپینگ گرایش می‌یابند. همچنین مقایسه ضرایب تعیین پژوهش نیز حاکمی از آن است که مدل زنان و مردان به ترتیب قادرند ۲۹ و ۴۴ درصد از مصرف مواد نیروزای ورزشکاران را به درستی پیش‌بینی نمایند. همانطور که یافته‌های مدل یادگیری اجتماعی نشان داد این مدل بهتر توانسته است مصرف مواد نیروزای غیرمجاز مردان ورزشکار در قیاس با زنان ورزشکار را تبیین نماید. هرچند هر دو مدل به خوبی گرایش ورزشکاران را به سمت رفتارهای پرخطر و انحرافی را نشان می‌دهند.

دلالت‌های سیاستی تئوری یادگیری اجتماعی و مصرف مواد نیروزای ورزشکاران

برای تئوری یادگیری اجتماعی سیاست‌های بازدارنده و یا کاهش دهنده رفتارهای انحرافی و کجروانه، همچون مصرف مواد نیروزا، به سمت تعاملات متقابل فرد با افراد کجرو سوق می‌یابد، در این راستا می‌بایست ارتباطات فرد (ورزشکاری که به رفتارهای کجروانه متمایل است) با افراد منحرفی که فرد را در معرض (محیط) چنین رفتارهای منحرفانه‌ای قرار می‌دهند محدود گردیده و تحت کنترل قرار بگیرد (وار، ۲۰۰۱)، در نتیجه با توجه به چارچوب مفروض یادگیری اجتماعی، سیاست‌های پیشگیرانه اولیه شامل پیشگیری، کنترل و بازپروری (درمان) است، اگر رفتارهای مجرمانه و انحرافی از طریق فرایند یادگیری اجتماعی پیوندها، تقلید، تعاریف و تقویت در محیط زندگی فرا گرفته شده و حفظ می‌گردد (درونی می‌گردد)، لذا احتمال شناسایی رفتارهایی چون مصرف مواد نیروزا، تمرین بیش از حد و بازی با درد و مصدومیت در مسیری مشابه با احتمالات محیطی یکسان نیز ممکن است (ایکرز، ۲۰۱۰). بنابراین تئوری یادگیری اجتماعی نظارت دقیق والدین بر روابط فرزندان را به عنوان برنامه کاربردی در اولویت کار خویش قرار می‌دهد، به عبارت دیگر، اگر این فرض اصلی را بپذیریم که با پیوندهای افتراقی، فرد با اشخاصی آشنا و تعامل می‌نماید که درگیر مصرف مواد نیروزا، تمرین بیش از حد و بازی با درد و مصدومیت هستند، لذا ایجاد محدودیت و نظارت بر کنش‌های متقابل فرزندان با اطرافیان احتمال تعاملات مستقیم و غیر مستقیم با چنین افرادی نیز کاهش می‌یابد. یکی از مهمترین دلالت‌های سیاستی این تئوری بر این باور بنیادین استوار است که، در محیطی که فرد رفتارهای کجروانه‌ای چون مصرف مواد نیروزای غیرمجاز را فرا می‌گیرد، این افراد می‌بایست از طریق برنامه‌های بازدارنده و الگوهای جامعه‌پذیری مجدد، بار دیگر

توانمندی خود را بدست آورند، در این نگاه، قطع پیوندهای افتراقی با افراد کجرو (افرادی با سابقه مصرف مواد نیروزا) منجر به بازپروی و جامعه پذیری مجدد فرزندان در مسیر دلخواه و امن می‌گردد. همچنین بمنظور معکوس کردن فرایند یادگیری اجتماعی مذکور در گروه‌های هدف، طیف گسترده‌ای از برنامه‌های کاربردی همچون: مشاوره‌های مثبت و سازنده با گروه‌های همالانی که با فرد ارتباط نزدیک دارند، برنامه‌های خانوادگی و مدرسه محور بر پایه آموزش‌های سازنده و جهت دار، برنامه‌های پیشگیرانه/آموزشی در اوقات فراغت، برنامه‌های ترمیمی مبتنی بر تغییر عقیده نسبت به مصرف مواد نیروزا، تغییر الگوهای مرجع این گروه و کند کردن فرایند تقلید از گروه‌های اولیه و ثانویه با جایگزینی الگوهای رفتاری مناسب، برنامه‌های پیشگیرانه بمنظور کنترل و محدود کردن کنش‌های فرد با افراد کجرو و برنامه‌های آموزشی با محوریت آگاهی بخشی نسبت به مضرات و خطرات درگیری در این فعالیت‌های کجروانه را در دستور کار خویش قرار دهند (ایکز، ۲۰۱۲). به گفته ایکرز (۲۰۱۰) از انجائیکه رفتارهای کجروانه‌ای چون مصرف مواد نیروزا از طریق پیوند، تقویت، تعریف و تقلید فرا گرفته می‌شود، برنامه‌های پیشگیرانه از طریق فراگیری رفتارها و الگوهای فکری مثبت، بصورت مستقیم و غیرمستقیم بر مؤلفه‌های یادگیری اجتماعی تأثیر می‌گذارد. تحقیقات صورت گرفته مطابق با چنین دلالت‌های سیاستی (کریسی^۱، ۱۹۵۵؛ ویکز^۲، ۱۹۵۸؛ ایمپری و اریکسون^۳، ۱۹۷۲) با اجرای برنامه‌هایی کاربردی با محوریت فشارهای گروهی و تغییر الگوهای کجروانه، بر این باورند که پویایی‌های گروهی می‌توانند به تغییر نگرش، تعریف و جهت گیری فکری گروه هدف انجامیده و رفتارهای کجروانه را به کمترین میزان مطلوبیت برسانند، به عبارتی دیگر، کاربردی‌ترین مکانیسم برای اعمال فشار گروهی بر اعضاء را می‌توان در گروه‌های کاملاً سازمانیافته‌ای دید که با هدف تغییر الگوهای رفتاری شکل گرفته و بر کنش گروهی هدایت شده^۴ متمرکز هستند. در برنامه‌ای دیگر، گیبونز^۵ (۱۹۶۵: ۱۵۱) بر گروه درمانی مبتنی بر تغییر الگوهای رفتاری و فکری افراد کجرو متمرکز گردید، مهم‌ترین مزیت گروه درمانی در این است که مشارکت کنندگان را به اعمال فشار بر یکدیگر (تغییر رفتار و جهت گیری فکری) تشویق می‌نماید، در واقع گروه درمانی نمایانگر شکلی از روابط اولیه است که در آن تغییرات رفتاری از مکانیسم‌های مشابه که در آن شکل گیری عقیده و تغییر رفتار در گروه‌های اولیه مرسوم اتفاق می‌افتد اعمال می‌گردد. در برنامه کاربردی دیگر، براکمن و ولف^۶ (۱۹۸۷) با استفاده از مدل آموزش خانوادگی، با دادن دستورالعمل‌های سازنده به خانواده، والدین را مجاب نمودند تا مهارت‌های اجتماعی، اکادمیک و ماقبل حرفه‌ای^۷ را به فرزندان آموخته و روابط مثبت و متقابل خود را با نوجوانان حفظ نمایند و از این طریق الگوهای رفتاری و فکری افراد کجرو را تغییر دادند. در برنامه‌هایی

1 Cressey

2 Weeks

3 Empey & Erickson

4 Guided Group Interaction

5 Gibbons

6 Braukmann & Wolf

7 prevocational

مشابه مرکز یادگیری اجتماعی ارگان ۱ (دیشیون ۲ و همکاران، ۱۹۹۲، ۱۹۹۹؛ پاترسون ۳ و همکاران، ۱۹۷۵؛ ۱۹۸۵، ۱۹۹۱، ۱۹۸۹؛ رید ۴ و همکاران، ۲۰۰۲، اشنایدر و پاترسون ۵، ۱۹۹۵) از طریق برنامه‌های پیشگیرانه و آموزشی مربوط به مدرسه، گروه همالان و خانواده سعی نمودند رفتارهای کجروانه در نوجوانان را با بکارگیری اصول یادگیری اجتماعی کاهش دهند. بنابر یافته‌های مرکز ارگان، رفتار کودکان و نوجوانان و کنش متقابل با دیگران در خانواده و در گروه همالان فرا گرفته می‌شود (دیشیون و همکاران، ۱۹۹۲؛ ۲۵۴-۲۵۵). به عبارتی دیگر، تربیت ضعیف فرزندان احتمال واکنش‌های قهری فرزندان را افزایش می‌دهد و سطوح بالای رفتارهای قهری فرزندان مانع فرزندپروری منصفانه، سازگار و مؤثر والدین نیز می‌گردد که منجر به بروز رفتارهای کجروانه می‌گردد (ایکرز، ۲۰۱۰). بطور کلی آنچه این تئوری درباب تبیین رفتارهای کجروانه‌ای چون مصرف مواد نیروزا مدعی است، نشان می‌دهد که چنین رفتارهایی از طریق فرایندهای تقلید، الگوبرداری، تقویت‌کننده‌های افتراقی فرا گرفته می‌شود. در بعد الگوبرداری، فرد مصرف مواد نیروزا را از کنش متقابل خود با اطرافیان و دیگران مهم فرا می‌گیرد، اگر فرد دریابد که این الگوهای کجروانه پیامدهای مثبتی برای گروه مرجع مورد نظرش داشته است، وی نیز به احتمال زیاد چنین رفتارهایی را تقلید می‌نماید، در بعدی دیگر احتمال ارتباط برقرار کردن با دیگران کجروی که مصرف مواد نیروزا را تشویق می‌کنند، افزایش می‌یابد، در نهایت چنین فردی ایده‌هایی مطلوبی را نیز راجع به مصرف مواد نیروزا گسترش می‌دهد- ایده‌هایی که دربردارنده تعاریف مثبت و خنثی‌کننده رفتارهای کجروانه است، این تعاریف در مرحله آخر رفتارهای انحرافی مذکور را به گونه‌ای مثبت توجیه و تسهیل می‌نمایند (ایکرز، ۲۰۱۰؛ ایکرز و سیلرز، ۲۰۱۲). با توجه به اهمیت محیط اجتماعی که فرد در آن بسر می‌برد و اهمیت کنش‌های متقابل وی با اطرافیان، قانونگذاران و مسئولین نهادهای تربیتی همچون رسانه‌ها، نهادهای آموزشی و دانشگاهی می‌بایست به تعریف و اجرای برنامه‌های فرهنگی، بازدارنده و ترمیمی بپردازند که رفتارهای کجروانه‌ای چون مصرف مواد نیروزا را به مسیر درست و مثبت هدایت می‌نماید. به عنوان مثال مسئولین و برنامه‌های ریزان فرهنگی در سطح رسانه ملی و محلی می‌توانند با تولید برنامه‌های فرهنگی-آموزشی نسبت به مضرات مصرف مواد نیروزا و ارائه الگوهای جانشین، از میزان تمایل ورزشکاران به سمت این دست از فعالیت‌ها بکاهند. در سطح خانواده و خرده فرهنگ ورزشی، می‌توان با ارائه جزوات آموزشی و فرهنگی، اولاً والدین را به نظارت بیشتر بر رفتار و دامنه ارتباطات فرزندان ترغیب نمود، ثانیاً با تاکید بر نقش الگوهای مرجع همچون اعضای خانواده، گروه همالان در فرایند یادگیری اجتماعی، علاوه بر تغییر الگوهای رفتاری اعضای خانواده (افرادی که مبادرت به الگوهای رفتار انحرافی می‌کنند) و در صورت لزوم محدودیت ارتباط با این افراد در بین اعضای خانواده و

1 Oregon
2 Dishion
3 Patterson
4 Reid
5 Snyder & Patterson

گروه همالان، از میزان تمایل ورزشکار به مصرف مواد نیروزا بکاهند. در سطح دیگر، خانواده‌های که با چنین مشکلی در بین اعضای خود مواجه هستند، می‌توانند با فراهم کردن جلسات مشاوره و روانشناسی برای اعضای خانواده از میزان تمایل افراد به این فعالیت‌ها بکاهند. در سطح دانشگاهی مسئولین می‌توانند با توجه به اهمیت این پدیده در سطح استان، با برگزاری همایش‌ها و نشست‌های دانشگاهی و علمی با محوریت شیوع مصرف مواد نیروزا و مضرات آن، ضمن ارائه راهکارهای علمی، به آگاهی بخشی جمعی نیز پرداخته و نهادهای اجرایی را ترغیب به مشارکت و حمایت از برنامه‌های پیشگیرانه نمایند.

منابع

- جلیلیان، فرزاد؛ وردی پور، حمید اله؛ معینی، بابک؛ براتی، مجید؛ مقیم بیگی، عباس. (۱۳۹۱). ارتباط مصرف استروئیدهای آنابولیک در ورزشکاران بدنساز با خودکارآمدی و کنترل رفتار درک شده، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان، ۱۹ (۱): ۴۵-۵۳.
- حبیبی، یزدان؛ پاشایی، طاهره؛ نوری، بیژن؛ صحرایی، ملادح. (۱۳۹۵). بررسی شیوع مصرف مواد نیروزا و عوامل مرتبط با آن در ورزشکاران بدنساز مرد شهر سنندج در سال ۱۳۹۴، مجله علوم پزشکی زانکو/ دانشگاه علوم پزشکی کردستان: ۲۳-۳۱.
- سرلک زهرا، کاشی علی. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر در مصرف داروهای ممنوعه و مکمل‌های نیروزا در دانش آموزان دبیرستانی، مجله علمی پژوهشی یافته، ۱۱ (۳): ۱۰۱-۱۱۴.
- شوشتری، فاطمه؛ بهرامیان، فاطمه؛ صفری، اکبر؛ براتی، حجت‌الله. (۱۳۹۲). بررسی شیوع مصرف داروهای مکمل‌های نیروزا در ورزشکاران مرد رشته بدن سازی شهرستان کرج و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۹۰، نشریه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی البرز، ۲ (۳): ۱۷۵-۱۸۲.
- علیپوردی نیا، اکبر؛ کبیری، سعید، رحمتی، محمد مهدی؛ شادمنفعت، سیدمعصومه. (۱۳۹۵). تبیین شرط‌بندی‌های ورزشی دانشجویان دانشگاه‌های شهر رشت از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز. راهبرد فرهنگ، ۳۵: ۱۱۶-۱۴۸.
- میناسیان، واژگن؛ سرلک، مریم. (۱۳۸۸). شیوع، نگرش و آگاهی از عوارض جانبی مواد نیروزا در ورزشکاران نخبه تیم‌های ملی و باشگاهی استان تهران، پژوهش در علوم ورزشی، ۲۵ (۱): ۱۱۹-۱۳۰.
- هاشمیان فرد، علی؛ هواسی، علی؛ اسماعیل زاده، حسن؛ برانوند، محمود. (۱۳۹۲). بررسی علل و گرایش مصرف مواد نیروزا در بین دانش آموزان، فصلنامه توسعه اجتماعی، ۷ (۴): ۷-۲۳.
- Akers, R. L. (1985). *Deviant behavior: A social learning approach*. Wadsworth Publishing Company.
- Akers, R. L. (2010). Nothing is as practical as a good theory: Social learning theory and the treatment and prevention of delinquency. In S. H. D. H. D. B. lo (Ed.), *Criminology and public policy: Putting theory to work* (pp. 84-105). Temple University Press, Philadelphia.
- Akers, R. L. (2011). *Social learning and social structure: A general theory of crime and deviance*. Transaction Publishers.

- Akers, R. L., & Jensen, G. F. (2006). The empirical status of social learning theory of crime and deviance: The past, present, and future. *Taking Stock: The Status of Criminological Theory*, 15, 37-76.
- Akers, R. L., & Jensen, G. F. (2011). *Social learning theory and the explanation of crime* (Vol. 1). Transaction Publishers.
- Akers, R. L., & Sellers, C. S. (2012). Social learning theory. *The Oxford Handbook of Juvenile Crime and Juvenile Justice*, 307-335.
- Braukmann, C. J., & Wolf, M. M. (1987). Behaviorally based group homes for juvenile offenders. In *Behavioral approaches to crime and delinquency* (pp. 135-159). Springer.
- Burgess, R. L., & Akers, R. L. (1966). A differential association-reinforcement theory of criminal behavior. *Social Problems*, 14 (2), 128-147.
- Cochran, J. K., Jones, S., Jones, A. M., & Sellers, C. S. (2016). Does criminal propensity moderate the effects of social learning theory variables on intimate partner violence? *Deviant Behavior*, 37 (9), 965-976.
- Cochran, J. K., Maskaly, J., Jones, S., & Sellers, C. S. (2017). Using structural equations to model Akers' social learning theory with data on intimate partner violence. *Crime & Delinquency*, 63 (1), 39-60.
- Cressey, D. R. (1955). Changing criminals: The application of the theory of differential association. *American Journal of Sociology*, 61 (2), 116-120.
- de Hon, O., Kuipers, H., & van Bottenburg, M. (2015). Prevalence of doping use in elite sports: a review of numbers and methods. *Sports Medicine*, 45 (1), 57-69.
- Dishion, T. J., McCord, J., & Poulin, F. (1999). When interventions harm: Peer groups and problem behavior. *American Psychologist*, 54 (9), 755.
- Dishion, T. J., Patterson, G. R., & Kavanagh, K. A. (1992). An experimental test of the coercion model: linking theory, measurement, and intervention. In J. M. a R. E. Tremblay (Ed.), *Preventing antisocial behavior: Interventions from birth through adolescence*. New York: Guilford Press.
- Donovan, R. J., Egger, G., Kapernick, V., & Mendoza, J. (2002). A conceptual framework for achieving performance enhancing drug compliance in sport. *Sports Medicine*, 32 (4), 269-284.
- Dunn, M., Mazanov, J., & Sitharthan, G. (2009). Predicting future anabolic-androgenic steroid use intentions with current substance use: findings from an Internet-based survey. *Clinical Journal of Sport Medicine*, 19 (3), 222-227.
- Florida, R., & Hollinger, R. (2016). Social Learning Theory and the training of retail loss prevention officers. *Security Journal*.
- Gibbons, D. C. (1965). *Changing the lawbreaker: The treatment of delinquents and criminals*. Government Institutes.
- Hoff, D. (2015). The significance of social learning processes for doping use in the elite sport environment: An interview study of AAS-using athletes. *Malmö University Malmö, Sweden*.
- Kabiri, S., Cochran, J. K., Stewart, B. J., Sharepour, M., Rahmati, M. M., & Shadmanfaat, S. M. (2016). Doping Among Professional Athletes in Iran A Test of Akers's Social Learning Theory. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 1-27.
- Kabiri, S., Cochran, J. K., Severson, M., Shadmanfaat, S. M., Rahmati, M. M., & Sharepour, M. (2017). Social and Personal Controls and Performance Enhancing Drug Use: Toward an Explanation of Doping Activity among Professional Athletes in Rasht, Iran. *Deviant Behavior*, Taylor and Francis. In press.
- Kirby, K., Moran, A., & Guerin, S. (2011). A qualitative analysis of the experiences of elite athletes who have admitted to doping for performance enhancement. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 3 (2), 205-224.

- Kuipers, H., Moran, J., Dubravcic-Simunjak, S., Mitchell, D. W., Shobe, J., Sakai, H., & Ambartsumov, R. (2007). Hemoglobin level in elite speed skaters from 2000 up to 2005, and its relationship with competitive results. *International Journal of Sports Medicine*, 28 (01), 16–20.
- Laure, P., Lecerf, T., Friser, A., & Binsinger, C. (2004). Drugs, recreational drug use and attitudes towards doping of high school athletes. *International Journal of Sports Medicine*, 25 (02), 133–138.
- Lazuras, L., Barkoukis, V., Rodafinos, A., & Tzorbatzoudis, H. (2010). Predictors of doping intentions in elite-level athletes: a social cognition approach. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 32 (5), 694–710.
- Li, C. K. W., Holt, T. J., Bossler, A. M., & May, D. C. (2016). Examining the mediating effects of social learning on the low self-control—Cyberbullying relationship in a youth sample. *Deviant Behavior*, 37 (2), 126–138.
- Özdemir, L., Nur, N., Bagcivan, I., Bulut, O., Sümer, H., & Tezeren, G. (2005). Doping and performance enhancing drug use in athletes living in Sivas, mid-Anatolia: A brief report. *Journal of Sports Science & Medicine*, 4 (3), 248.
- Papadopoulos, F. C., Skalkidis, I., Parkkari, J., & Petridou, E. (2006). Doping use among tertiary education students in six developed countries. *European Journal of Epidemiology*, 21 (4), 307–313.
- Patterson, G. R. (1975). *Families: Applications of social learning to family life*. Research Press Champaign, IL.
- Patterson, G. R., & Chamberlain, P. (1994). A functional analysis of resistance during parent training therapy. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 1 (1), 53–70.
- Patterson, G. R., DeBaryshe, B. D., & Ramsey, E. (1989). A developmental perspective on antisocial behavior (Vol. 44). American Psychological Association.
- Patterson, G. R., & Dishion, T. J. (1985). Contributions of families and peers to delinquency. *Criminology*, 23 (1), 63–79.
- Peters Jr, R. J., Adams, L. F., Barnes, J. B., Hines, L. A., Jones, D. E., Krebs, K. M. A., & Kelder, S. H. (2005). Beliefs and social norms about ephedra onset and perceived addiction among college male and female athletes. *Substance Use & Misuse*, 40 (1), 125–135.
- Snyder, J. J., & Patterson, G. R. (1995). Individual differences in social aggression: A test of a reinforcement model of socialization in the natural environment. *Behavior Therapy*, 26 (2), 371–391.
- Sottas, P.-E., Robinson, N., Fischetto, G., Dollé, G., Alonso, J. M., & Saugy, M. (2011). Prevalence of blood doping in samples collected from elite track and field athletes. *Clinical Chemistry*, 57 (5), 762–769.
- Vouillamoz, M., Thom, C., Grisdale, R., Saugy, M., Giraud, S., Robinson, N., ... Geisendorfer, T. (2009). Anti-doping testing at the 2008 European football championship. *Drug Testing and Analysis*, 1 (11-12), 485–493.
- Warr, M. (2001). The social origins of crime: Edwin Sutherland and the theory of differential association. In R. P. a R. Bachman (Ed.), *Explaining criminals and crime* (pp. 182–191). os Angeles: Roxbury Press.
- Weeks, A. H. (1958). *Youthful offenders at Highfields*. University of Michigan Press.
- Wiefferink, C. H., Detmar, S. B., Coumans, B., Vogels, T., & Paulussen, T. G. W. (2007). Social psychological determinants of the use of performance-enhancing drugs by gym users. *Health Education Research*, 23 (1), 70–80.
- Zorzoli, M., & Rossi, F. (2010). Implementation of the biological passport: the experience of the International Cycling Union. *Drug Testing and Analysis*, 2 (11-12), 542–547